

DOR: [20.1001.1.24237558.1399.5.1.4.0](https://doi.org/10.1001.1.24237558.1399.5.1.4.0)

رابطه ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان

نازیلا بابازاده^۱

محمد رحیم نجف زاده^۲

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، تعیین رابطه‌ی ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند است. این تحقیق از لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و از لحاظ ماهیت از نوع مطالعات توصیفی است. از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع مطالعات میدانی است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی زنان و دختران ورزشکار شهر مرند بوده که در باشگاه‌های ورزشی و زیر نظر اداره ورزش و جوانان شهر مرند فعالیت دارند که طبق آمار اداره ورزش و جوانان شهرستان مرند، ۲۷۹۰۳ نفر فعالیت دارند. بر اساس جدول مورگان، ۳۸۴ نفر جزو نمونه تحقیق قرار گرفتند. ابزار تحقیق، پرسشنامه استاندارد بود که برای مشارکت ورزشی، پرسشنامه گیل و همکاران (۱۹۸۸)، برای ارزش‌ها و سبک زندگی، پرسشنامه کورکوران و فیشر (۲۰۰۰) است که روایی و پایایی پرسشنامه‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کولموگراف-اسمیرنف و ضریب همبستگی پیرسون با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که بین ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین یادگیری، نوع، مدگرایی، مسئولیت‌پذیری، توجه به تاریخ و مذهب، شور و اشتیاق، کمی‌گرایی، توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی رابطه معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌گان: ارزش‌ها و سبک زندگی، مشارکت ورزشی زنان، یادگیری، مسئولیت‌پذیری

1. کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان (نویسنده مسئول) b.nazila1995@gmail.com

2. استادیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز ایران najafzadehrahim@yahoo.com

The relationship between values and lifestyle with women's sports participation

N. Babazadeh¹

M. R. Najafzadeh²

Abstract

The main purpose of this study is to determine the relationship between values and lifestyle with the participation of women in sports in Marand. This research is applied in terms of purpose and descriptive in nature. In terms of data collection, it is a field study. The statistical population of the study included all women and girl's athletes in Marand who are active in sports clubs under the supervision of Marand Youth and Sports Department, which according to the statistics of Marand Youth and Sports Department, 27903 people are active. According to Morgan's table, 384 people were included in the research sample. The research instrument was a standard questionnaire for sports participation, Gill et al. (1988) questionnaire, for values and lifestyle questionnaire, Corcoran and Fisher questionnaire (2000), which confirmed the validity and reliability of the questionnaires. In order to analyze the data, the Kolmogoroff-Smirnov test and Pearson correlation coefficient were used to analyze the data using SPSS statistical software. The results showed that there is a significant relationship between values and lifestyle with women's sports participation in Marand city. There is also a significant relationship between learning, diversity, fashion, responsibility, attention to history and religion, passion, quantity, intellectual and physical ability with sports participation.

Keyword: Values and lifestyle, women's sports participation, learning, responsibility.

1 . M.Sc., Azerbaijan Lotus Wheel Higher Education Institute, Tabriz, Iran (Responsible author)
b.nazila1995@gmail.com

2 . Assistant Professor of Sports Management, Islamic Azad University, Tabriz Branch Tabriz, Iran
najafzadehrahim@yahoo.com

مقدمه

در دهه اخیر بدون سبک زندگی و هویت اجتماعی، یعنی بدون چهارچوب‌های مشخصی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد. افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و پایدار میان خود نخواهند داشت. سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد چون ملازم یا نوعی انتخابی از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است، سخن گفتن از کثرت انتخاب نباید به این پندار بیانجامد که در همه انتخاب‌ها به روی همه افراد باز است یا آنکه همه مردم تصمیم‌های مربوط به انتخاب‌های خویش را با آگاهی کامل از کلیه امکانات موجود برمی‌گزینند. چه در عرصه کار چه در عرصه مصرفی، برای همه گروه‌هایی که از قید فعالیت‌های سنتی آزاد شده‌اند، انتخابی‌های گوناگونی در زمینه سبک زندگی وجود دارد (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲).

سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری او را برآورند، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم سازد (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵). سبک زندگی افراد می‌توان میزان موفقیت‌های فردی و اجتماعی آنان را در زندگی مورد ارزیابی و بررسی قرار داد (کاکرهام^۱، ۲۰۰۵). در واقع، سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت شامل بسیاری از حوزه‌های زندگی فرد از جمله نظام

1. Cockerham

معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، استفاده از محصولات تکنولوژیک و امثال آن می‌شود. در باب اهمیت و ضرورت پرداختن به سبک زندگی سلامت‌محور همین بس که بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت پنج بیماری (که عبارت‌اند از چاقی، سکته‌ی قلبی، دیابت، سرطان و پوکی استخوان) به‌عنوان مهم‌ترین بیماری‌های مزمن شناخته شده‌اند که تمامی آن‌ها با سبک زندگی و تغذیه ارتباط مستقیم دارند سبک زندگی مبتنی بر سلامت، فرایند توانمندسازی افراد برای افزایش کنترل عوامل مرتبط با سلامت و در نتیجه افزایش سلامت ورزش همگانی آن‌هاست (موحد و همکاران، ۱۳۹۱). مشارکت در فعالیت‌های بدنی و در پیش گرفتن سبک زندگی فعال تا حد زیادی به ماهیت ارتباطات اجتماعی و درونی کردن تجارب دیگران به‌خصوص افراد مهم بستگی دارد. مباحثی که با محوریت جامعه‌پذیری در حوزه ورزش مطرح می‌شوند طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند، اینکه چگونه بعضی افراد با علاقه فراوان به انجام فعالیت‌های ورزشی یا تماشای رقابت‌های ورزشی می‌پردازند، ولی دیگران چنین علایقی ندارند؛ چگونه عده‌ای خودشان را به‌عنوان ورزشکار می‌شناسانند و وقت و هزینه خود را صرف فعالیت در یک رشته ورزشی خاص می‌کنند و دیگران نیز آن‌ها را به‌عنوان ورزشکار می‌شناسند. ورزشکار شدن دارای الزاماتی است که فرد باید علاوه بر توان بدنی، آن‌ها را در جامعه فرا بگیرد. محققان معتقدند در فرایند ورزشکار شدن افراد، علاوه بر توانایی‌های فردی، امکانات و دسترسی به فرصت‌ها و عوامل ۱ جامعه‌پذیری پدر و مادر، خواهران و

برادران، معلمان، همسالان و برخی الگوها نیز دخیل هستند (شمسی و همکاران ۱۳۹۴).

توجه مسئولین امر نسبت به برنامه‌های هدفمند و سیاست‌گذاری اصولی می‌تواند مشارکت زنان را در فعالیت ورزشی هموار نموده و موجبات توسعه و رشد جامعه را فراهم آورد. طبق آمار سازمان جهانی بی‌حرکی یکی از ۱۰ علت عمده مرگ‌ومیر در جهان است همچنین طبق آمار دیگر در سراسر جهان حدود ۷۰ میلیون زن به دیابت مبتلا هستند که تا سال ۲۰۰۷ این مقدار به دو برابر افزایشی می‌یابد یکی از مهم‌ترین عوامل این مسئله عدم تحرک و فعالیت بدنی است (پایگاه اطلاعاتی پزشکان ایران، ۱۳۸۸) علاوه بر این فشار زمانی و حجم بالای انتظارات و خواسته‌ها (که به‌عنوان اخلاق مراقبت می‌توان از آن یاد کرد) از زنان باعث می‌شود که کمتر به فعالیت بدنی و ورزشی بپردازند (پارسامهر، ۱۳۸۸)؛ اما توسعه مشارکت‌های ورزشی در میان اقشار مختلف بیانگر میزان نظام یافتگی و عقلانیت و نیز به معنای تکامل شناختی و اجتماعی اعضا است، محرومیت اجتماع، از تأثیرات و کارکردهای فردی و اجتماعی ورزشی مسلماً دارای خطرات جبران‌ناپذیری است که نه تنها نسل کنونی بلکه نسل‌های متمادی را متأثر خواهد کرد (فتحی، ۱۳۸۲). همه ما با متداول‌ترین دلیل ورزش نکردن آشنا هستیم: سرمان خیلی شلوغ است، خیلی خسته هستیم، کسل‌کننده و گیج‌کننده است و... اما آیا این‌ها دلیل هستند یا بهانه؟ شاید به خودمان بگوییم که خیلی خسته هستیم یا زیاد مشغله داریم، اما دلایل اصلی ورزش نکردن ما اغلب کمی پیچیده‌تر هستند. به

دلایل فراوانی که اغلب آن‌ها فرهنگی-اجتماعی هستند، زن در طول تاریخ فرصت کافی پیدا نکرده است تا شایستگی خود را برای مشارکت فعال در ورزشی به اثبات برساند؛ در رسوم عهد یونانیان طبق تاریخ المپیک زنان به هیچ وجه حق حتی تماشای بازی‌ها را نداشتند و مجازات زنانی که در تماشای بازی‌های مخفیانه شرکت می‌کردند، اعدام بود (قنبری نیاکی، ۱۳۹۵). نکتهٔ مورد نظر این است که هر فرد برای انتخاب سبک زندگی خود کاملاً آزاد نیست و اسیر قیدوبندهایی خواهد بود. همیشه انتخاب سبک زندگی صرفاً توسط فرد صورت نمی‌گیرد، بلکه گاهی این گروه‌های اجتماعی یا فشارهای اقتصادی‌اند که فرد را ناچار به گزینش می‌کنند. حاصل انتخاب سبک زندگی توسط هر فرد چه به صورت اختیاری و چه به صورت اجباری آن است که فرد به یکی از اقشار و گروه‌های اجتماعی یعنی جمع کسانی که دارای سبک‌های زندگی مشابه او هستند تعلق می‌یابد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶).

مطالعات صورت پذیرفته در داخل و خارج از کشور نیز مؤید موارد بیان شده است. در مطالعات داخل کشور محمدی ترکمانی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی سبک زندگی ورزشکاران نخبه ایرانی با استفاده از رویکرد گلگیری نظریه داده بنیاد پرداختند. نتایج نشان داد مهم‌ترین نگرانی‌های مشارکت‌کنندگان عبارت بود از رعایت نشدن اصول حرفه‌ای در زندگی ورزشکاران ایرانی، مقوله محوری پژوهش (تفکر حرفه‌ای) و فرایند اجتماعی پایه پژوهش (حرکت به سمت حرفه‌ای‌گرایی). شایستگی‌های عاطفی، چشم‌انداز زندگی، سواد مالی، مسئولیت‌پذیری، مصرف،

گذران اوقات فراغت، مسائل شخصی و رفتارهای مذهبی نیز به‌عنوان دیگر مقولات سبک زندگی تعیین شدند که تحت تأثیر تفکر حرفه‌ای قرار می‌گیرند. شریفیان و مصلی نژاد (۱۳۹۴) به ارزیابی سلسله‌مراتب ارزش‌ها و منابع تأثیرگذار بر باورهای داوطلبان ورود به رشته تربیت‌بدنی پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد از بین شش ارزش مورد بررسی در این مطالعه، ارزش نظری دارای بالاترین رتبه و ارزش سیاسی دارای پایین‌ترین رتبه بود و ارزش‌های اجتماعی، معنوی، اقتصادی و هنری نیز به ترتیب در رتبه‌های دوم تا پنجم جای گرفتند. در پژوهش شمسی و همکاران (۱۳۹۴) نیز متغیرهای خانواده، دوستان و همسالان با مشارکت ورزشی جوانان رابطه معناداری داشت که خانواده قوی‌ترین تأثیر را در تبیین توسعه مشارکت ورزشی آزمودنی‌ها داشت. حسینی کریم‌آبادی (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین سبک زندگی و فعالیت‌های ورزشی غیرحرفه‌ای زنان تحصیل‌کرده است. نتایج نشان داد که بین سبک زندگی زنان با میزان فعالیت‌های ورزشی غیرحرفه‌ای آنان رابطه وجود دارد و نوع سبک زندگی نیز می‌تواند بر انجام فعالیت‌های ورزشی غیرحرفه‌ای زنان تأثیرگذار باشد به‌طوری‌که زنان با سبک زندگی مادی بیشتر به انجام فعالیت‌های ورزشی غیرحرفه‌ای می‌پردازند. لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولین و برنامه‌ریزان شهری، فرهنگی و ورزشی نسبت به ایجاد اماکن ورزشی در مناطق پایین‌شهر اقدام نمایند تا زمینه ترغیب و علاقه‌مندی زنان ساکن در مناطق پایین‌شهر به انجام فعالیت‌های ورزشی فراهم گردد. نتایج تحقیق هاشمی و مرادی (۱۳۸۹) نشان داد که میزان ورزشی بودن خانواده،

حمایت خانواده از فعالیت‌های ورزشی، نگرش خانواده در مورد ورزش و میزان پذیرش ورزش در میان اعضای خانواده بر جامعه‌پذیری ورزشی افراد اثر مستقیمی دارد. پارسامهر (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود نشان داد در بین عوامل جامعه‌پذیری بر مشارکت دختران نوجوان در فعالیت‌های ورزشی، نقش دوستان با میزان مشارکت، همبستگی معناداری داشت

در مطالعات خارج از کشور نیز یائو و رودز^۱ (۲۰۱۵) اشاره می‌کنند در دوره پیش از نوجوانی، نقش الگویی والدین در فعالیت‌های بدنی، نقش مهمی در تثبیت اجتماعی پذیرش فعالیت‌های بدنی بازی می‌کند، اما رفته رفته در دوره نوجوانی و پس از آن نقش همسالان پررنگ‌تر می‌شود. هلکما و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای رابطه بین سلسله‌مراتب ارزشها و مراحل رشد اخلاقی کلبرگ را در گروهی از دانشجویان رشته تربیت‌بدنی بررسی کردند و نتیجه گرفتند دانشجویانی که از ارزشهای بالایی برخوردار بودند، در مراحل بالاتری از رشد اخلاقی قرار داشتند. همچنین وی گزارش کرد که ارزشهای غالب دانشجویان در سالهای اول بیشتر جنبه نظری و تئوری داشت و در سالهای بعد جنبه عملی و کاربردی به خود گرفت. دولمان و لوئیس^۳ (۲۰۱۰) در تحقیق خود دریافتند دخترانی که از سطوح پایین‌تری از حمایت کلامی و عاطفی از سوی والدین برای ورزش کردن برخوردار بوده‌اند، مشارکت کمی در ورزش

1. Yao and Rhodes
2. Helkama et al
3. Dolman and Lewis

داشته‌اند. وارکینز و شاین^۱ (۲۰۰۶) در تحقیقی روی اعضای تیم ملی بسکتبال با ویلچر ایالات متحده، به این نتیجه دست یافتند که همسالان این افراد یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیر کردن ورزشی آن‌ها هستند و سازمان‌ها و دیگر عوامل جامعه‌پذیری به یک اندازه تأثیرگذار بودند. پائول و همکاران^۲ (۲۰۰۴) در پژوهش خود با عنوان تأثیر سبک زندگی و شیوه زندگی و فعالیت بدنی به این نتیجه رسیدند که فعالیت بدنی همراه با سبک زندگی، تأثیری در برطرف کردن درد مفاصل گردن و اندام فوقانی دارد.

با توجه به نقش زنان در جامعه و بخصوص نقش تربیتی آنان در تربیت فرزندان و الگوپذیری فرزندان از آنان، توجه به ورزش زنان و به طبع آن سلامت آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چراکه زنان به واسطه شرایط وجود در جامعه و استفاده از تکنولوژی نوین در فرایند زندگی، کمتر به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند (مطهری، ۱۳۸۰). سلامت زنان زیربنای سلامت خانواده است و مشارکت آنان در تأمین، حفظ و ارتقای سلامت جامعه غیرقابل انکار است. زنان می‌توانند با مشارکت فعال خود در زمینه‌های مختلف ورزشی و به‌ویژه ورزش‌های همگانی الگوی مناسب ترویج فعالیت بدنی برای سایر افراد خانواده به‌ویژه نوجوانان و جوانان باشند، لذا بررسی عوامل مرتبط با مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در این تحقیق تلاش شده است که رابطه‌ی بین ارزش‌ها و سبک زندگی با

1. Varkynz and Shine

2. Paul et al.



مشارکت ورزشی زنان در شهرستان مرند مورد بررسی قرار گیرد. در شهرستان مرند به دلیل نداشتن پارک‌های ویژه بانوان برای ورزش و عدم جاافتادگی فرهنگ ورزش بانوان در پارک‌های عمومی، بانوان مشارکت بسیار محدودی در فعالیت‌های ورزشی دارند و شناسایی ارزش‌ها و سبک‌های مناسب برای مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند برخی از این مشکلات را حل کند و لذا پژوهش حاضر در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که آیا بین ارزش‌ها و سبک زندگی زنان با میزان مشارکت ورزشی آنان رابطه وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

بین ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

بین یادگیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

بین تنوع با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

بین مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

بین مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

بین توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار

وجود دارد.

بین شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

بین کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

بین توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی رابطه معنادار وجود دارد.

ابزار پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و از لحاظ ماهیت از نوع مطالعات توصیفی است. از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع مطالعات میدانی است. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی زنان و دختران ورزشکار شهرستان مرند بوده که در باشگاه‌های ورزشی و زیر نظر اداره ورزش و جوانان شهرستان مرند فعالیت دارند که طبق آمار اداره ورزش و جوانان شهرستان مرند، ۲۷۹۰۳ نفر فعالیت دارند. بر اساس جدول مورگان، ۳۸۴ نفر جزو نمونه تحقیق قرار گرفتند که با احتساب احتمال نقص در تکمیل برخی پرسشنامه‌ها تعداد ۴۰۰ پرسشنامه در نظر گرفته می‌شود. انتخاب باشگاه‌های مختلف هر رشته به صورت تصادفی انجام می‌شود. از بین زنان و دختران ورزشکار حاضر در باشگاه‌های مذکور و پس از اطلاع یافتن از میزان فعالیت ورزشی آن‌ها، به‌طور هدفمند و در دسترس تعدادی انتخاب و پرسشنامه در اختیار آنان قرار داده شد. بدین صورت افرادی که در سال‌های گذشته حداقل یک جلسه در هفته، در رشته ورزشی شرکت

کرده بودند به‌عنوان پاسخ‌دهنده به سؤالات پرسشنامه انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استاندارد استفاده شد. برای مشارکت ورزشی، پرسشنامه استاندارد گیل و همکاران (۱۹۸۸) است که متشکل از ۳۰ گویه و ۸ خرده مقیاس است؛ و پرسشنامه مورد استفاده برای ارزش‌ها و سبک زندگی، پرسشنامه استاندارد کورکوران و فیشر (۲۰۰۰) است که متشکل از ۳۹ گویه و ۸ خرده مقیاس است. همه گویه‌ها این پرسشنامه در قالب طیف لیکرت ۵ درجه‌ای طراحی شده‌اند.

در این تحقیق روایی پرسشنامه توسط اساتید دانشگاه به‌ویژه استاد راهنما مورد مطالعه و تأیید قرار گرفت. در بررسی پایایی این پرسشنامه‌ها، میزان همسانی درونی با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است که مقدار کل آلفا برای کل پرسشنامه عدد مقدار $0/831$ به‌دست آمد که بیانگر پایایی پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کولموگراف-اسمیرنف برای تعیین نرمال بودن داده‌ها استفاده شد و بر اساس آن از آزمون ضریب همبستگی پیرسون با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS۲۲ استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی جمعیت‌شناختی پاسخگویان به پرسشنامه به‌صورت جدول شماره ۱ است.

جدول ۱: آمار توصیفی جمعیت‌شناختی پاسخگویان

سن	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۲۵ سال	۲۶	۶/۸
۲۵-۳۵ سال	۹۲	۲۳/۹
۳۶-۴۵ سال	۱۲۰	۳۱/۳
بیشتر از ۴۵ سال	۱۴۶	۳۸/۱
تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
فوق دیپلم	۱۹	۵/۱
لیسانس	۱۳۵	۳۵/۲
فوق لیسانس	۲۰۵	۵۳/۴
دکتری	۲۵	۶/۳
سابقه ورزش	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۱۰ سال	۵۰	۱۳/۱
۱۰-۲۰ سال	۱۸۳	۴۷/۷
بیشتر از ۲۰ سال	۱۵۱	۳۹/۲

آزمون کولموگروف اسمیرنوف

جدول ۲: نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف

یاد گیری	تفریح	مدگرایی	مسئولیت پذیری	تاریخ و مذهب	شور و اشتیاق	کمی گرایی	توانایی فکری	ارزش و سبک زندگی	مشارکت ورزشی
----------	-------	---------	---------------	--------------	--------------	-----------	--------------	------------------	--------------

تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
مقداره آماره	۰/۱۲۵	۰/۱۶۳	۰/۲۱۱	۰/۱۰۰	۰/۱۰۵	۰/۰۷۷	۰/۱۳۱	۰/۱۴۶	۰/۱۷۰	۰/۱۵۰
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج حاصله در جدول شماره ۲ مقادیر سطح معنی داری به دست آمده برای آزمون کولموگروف اسمیرنوف کمتر از ۰/۰۵ است؛ از این رو، می توان از آزمون های ناپارامتریک ضریب همبستگی اسپیرمن در تبیین متغیرهای مورد نظر استفاده کرد.

آزمون فرضیات

جدول ۳: آزمون فرضیات

نتایج فرضیه اول		
متغیرها	ضریب همبستگی	معنی داری
ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان	۰/۹۴۰	۰/۰۰۰
نتایج فرضیه دوم		
متغیرها	ضریب همبستگی	معنی داری
یادگیری با مشارکت ورزشی زنان	۰/۵۱۷	۰/۰۰۰
نتایج فرضیه سوم		

متغیرها	ضریب همبستگی	معنی‌داری
تنوع با مشارکت ورزشی زنان	۰/۷۱۹	۰/۰۰۰
نتایج فرضیه چهارم		
متغیرها	ضریب همبستگی	معنی‌داری
مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان	۰/۳۰۱	۰/۰۰۹
نتایج فرضیه پنجم		
متغیرها	ضریب همبستگی	معنی‌داری
مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان	۰/۵۹۶	۰/۰۰۰
نتایج فرضیه ششم		
متغیرها	ضریب همبستگی	معنی‌داری
توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان	۰/۱۰۶	۰/۰۰۰
نتایج فرضیه هفتم		
متغیرها	ضریب همبستگی	معنی‌داری
شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان	۰/۸۸۴	۰/۰۰۰
نتایج فرضیه هشتم		
متغیرها	ضریب همبستگی	معنی‌داری
کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان	۰/۲۷۴	۰/۰۰۰



نتایج فرضیه نهم

متغیرها	ضریب همبستگی	معنی داری
توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی زنان	۰/۸۳۶	۰/۰۰۰

فرضیه اول: بین ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

H₀: بین ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H₁: بین ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. از این رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان) ۰/۹۴۰ است و با توجه به اینکه مقدار ضریب معنی داری محاسبه شده (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه H₀ تحقیق رد شده و می‌توان بیان داشت که: بین ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین یادگیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار

وجود دارد.

H۰: بین یادگیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H۱: بین یادگیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین یادگیری با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. از این رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (یادگیری با مشارکت ورزشی زنان) ۰/۵۱۷ است و با توجه به اینکه مقدار ضریب معنی‌داری محاسبه شده (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه H۰ تحقیق رد شده و می‌توان بیان داشت که: بین یادگیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تنوع با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

H۰: بین تنوع با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H۱: بین تنوع با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین تنوع با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی

اسپیرمن استفاده شده است. از این رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (تنوع با مشارکت ورزشی زنان) $0/719$ است و با توجه به اینکه مقدار ضریب معنی‌داری محاسبه شده ($0/000$) کم‌تر از $0/05$ است، بنابراین فرضیه H_0 تحقیق رد شده و می‌توان بیان داشت که: بین تنوع با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

H_0 : بین مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H_1 : بین مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. از این رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان) $0/301$ است و با توجه به اینکه مقدار ضریب معنی‌داری محاسبه شده ($0/009$) کمتر از $0/05$ است، بنابراین فرضیه H_0 تحقیق رد شده و می‌توان بیان داشت که: بین مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

H₀: بین مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H₁: بین مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. از این رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان) ۰/۵۹۶ است و با توجه به اینکه مقدار ضریب معنی‌داری محاسبه شده (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه H₀ تحقیق رد شده و می‌توان بیان داشت که: بین مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ششم: بین توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

H₀: بین توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H۱: بین توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. از این رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان) $0/106$ است و با توجه به اینکه مقدار ضریب معنی داری محاسبه شده $(0/000)$ کمتر از $0/05$ است، بنابراین فرضیه H_0 تحقیق رد شده و می توان بیان داشت که: بین توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه هفتم: بین شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

H۰: بین شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H۱: بین شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. از این رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان) $0/884$ است و با

توجه به اینکه مقدار ضریب معنی‌داری محاسبه شده (۰/۰۰۰) کم‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه H_0 تحقیق رد شده و می‌توان بیان داشت که: بین شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه هشتم: بین کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

H_0 : بین کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H_1 : بین کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به‌منظور بررسی رابطه بین کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. از این‌رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان) ۰/۲۷۴ است و با توجه به اینکه مقدار ضریب معنی‌داری محاسبه شده (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه H_0 تحقیق رد شده و می‌توان بیان داشت که: بین کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه نهم: بین توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

H₀: بین توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود ندارد.

H₁: بین توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی زنان از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. از این رو با توجه به نتایج جدول ۳ مقدار همبستگی بین دو متغیر (توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی زنان) ۰/۸۳۶ است و با توجه به اینکه مقدار ضریب معنی داری محاسبه شده (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه H₀ تحقیق رد شده و می توان بیان داشت که: بین توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه معنادار وجود دارد.

نتیجه گیری

مباحثی که با محوریت جامعه پذیری در حوزه ورزش مطرح می شوند طیف وسیعی را تشکیل می دهند، اینکه چگونه بعضی افراد با علاقه فراوان به انجام فعالیت های ورزشی یا تماشای رقابت های ورزشی می پردازند، ولی دیگران چنین علایقی ندارند؛ چگونه عده ای خودشان را به عنوان ورزشکار می شناسند و وقت و هزینه خود را صرف فعالیت در یک رشته ورزشی خاص می کنند و دیگران نیز آن ها را به عنوان ورزشکار می شناسند. ورزشکار شدن دارای الزاماتی است که فرد باید علاوه بر توان

بدنی، آن‌ها را در جامعه فرا بگیرد. محققان معتقدند در فرایند ورزشکار شدن افراد، علاوه بر توانایی‌های فردی، امکانات و دسترسی به فرصت‌ها و عوامل جامعه‌پذیری پدر و مادر، خواهران و برادران، معلمان، همسالان و برخی الگوها نیز دخیل هستند (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴). بر این اساس هدف اصلی این تحقیق، تعیین رابطه‌ی ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند است که نتایج فرضیه‌ها در ادامه ارائه شده است:

نتیجه فرضیه اول: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه اصلی تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین ارزش‌ها و سبک زندگی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون پال و همکاران (۲۰۰۴)، فتحی (۱۳۸۸)، شریفیان و مصلی نژاد (۱۳۹۴)، شمسی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که سبک زندگی افراد می‌تواند میزان موفقیت‌های فردی و اجتماعی آنان را در زندگی مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. در واقع، سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت شامل بسیاری از حوزه‌های زندگی فرد از جمله نظام معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، استفاده از محصولات تکنولوژیک و امثال آن می‌شود. در این بین آنچه می‌تواند مشارکت ورزشی بانوان تحت تأثیر قرار دهد، ارزش‌ها و سبک زندگی آنها است. مشارکت در ورزش می‌تواند به زنان در گسترش دادن مهارت‌های فیزیکی در میان زنان و بالا بردن توانایی فیزیکی و قدرتی

آن‌ها کمک کند و علاوه بر این می‌تواند اعتماد به نفس آن‌ها را نیز بالا ببرد. از طرف دیگر قدرت فیزیکی که از طریق مشارکت ورزشی به دست می‌آید، با تناسب اندام و سلامتی همراه است و این‌گونه زنان سلامت فیزیکی و روانی خود را کنترل می‌کنند و کم‌تر احساس آسیب‌پذیری خواهند داشت. بر اساس نتایج فرضیه اول تحقیق پیشنهاد می‌شود تا نهادهایی مانند دانشگاه که با آموزش‌های خود به دانشجویان، در سبک زندگی آنها تأثیرگذار است، در جهت تأثیرگذاری بر سایر دانشجویان، از دانشجویانی که از سابقه ورزشی برخوردارند در جهت تشویق و ترغیب به مشارکت‌های ورزشی دیگر دانشجویان استفاده نماید.

نتیجه فرضیه دوم: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه اول تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین یادگیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون وارکینز و شاین (۲۰۰۶)، پارسامهر (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که یادگیری ناشی از تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری است که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می‌دهد که همواره باید قابل انتقال به رفتار مشاهده‌پذیر باشد و از این طریق بهبود و توسعه عملکرد در انسان‌ها صورت پذیرد. حضور بانوان در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند میزان یادگیری و تقویت آن را شامل شود. زمانی که فعالیت‌های ورزشی در افراد صورت می‌پذیرد باعث ایجاد حرکاتی می‌شود که توسعه‌دهنده سایر حرکات مبتدی می‌شود و این امر بیانگر یادگیری در فعالیت‌های ورزشی است. بر

اساس نتایج فرضیه دوم تحقیق پیشنهاد می‌شود تا سازمان ورزش همگانی به ایجاد تمهیدات لازم برای انجام ورزش در تمام روزهای هفته در بوستان‌ها و پارک‌ها و قرار دادن یه فرد به‌عنوان مربی ورزشی، امکان یادگیری را در دیگر افراد فراهم آورند.

نتیجه فرضیه سوم: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه دوم تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین تنوع با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون دولمان و لویس (۲۰۱۰)، هاشمی و مرادی (۱۳۸۹) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که انجام فعالیت‌های ورزشی می‌تواند باعث بروز حرکات بدنی متنوع در افراد شود و این موضوع باعث می‌شود تا آنها از سایر افرادی که به فعالیت‌های ورزشی نمی‌پردازند به خوبی تمیز داده شوند که این امر می‌تواند به‌عنوان یک حالت و احساس برتری در ورزشکاران به وجود آورد که مشوق آنها برای ادامه و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی خواهد بود. بر اساس نتایج فرضیه سوم تحقیق پیشنهاد می‌شود تا با برپا کردن نمایشگاه‌های مخصوص کالاها و لباس‌های ورزشی، امکان برخورداری ورزشکاران از حق انتخاب برای انتخاب البسه ورزشی را فراهم نمایند.

نتیجه فرضیه چهارم: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه سوم تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین مدگرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون

هلکما و همکاران (۲۰۱۳)، حسینی کریم‌آبادی (۱۳۹۰) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که ورزشکاران در هنگام انجام فعالیت‌های ورزشی و مشارکت به ورزش در بین سایر ورزشکاران سعی بر آن دارند تا با انتخاب لباس‌های مناسب و مختص ورزش در بین سایرین حاضر شوند و به انجام حرکات ورزشی بپردازند. توجه به مد در بین ورزشکاران زن نمود بیشتر دارد و باعث می‌شود در حضور و یا عدم حضور آنها در جمع ورزشی تأثیرگذار باشد. بر اساس نتایج فرضیه چهارم تحقیق پیشنهاد می‌شود تا نمایشگاه‌هایی در جهت آشنایی افراد با مد لباس‌های ورزشی برای ورزش‌های متفاوت تیمی و انفرادی در اماکن ورزشی برگزار شود.

نتیجه فرضیه پنجم: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه چهارم تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین مسئولیت‌پذیری با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون کلایر و همکاران (۲۰۱۴)، تابعیان و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که مسئولیت‌پذیری یکی از مؤلفه‌های وظایف اجتماعی است که رابطه مستقیمی با سلامت روان افراد جامعه دارد که سلامتی افراد جامعه نیز به شرکت این افراد در فعالیت‌های ورزشی در اجتماع بستگی دارد. تربیت بدنی و خصوصاً ورزش‌های تیمی و گروهی یک ارتباط تنگاتنگی با حس مسئولیت‌پذیری فرد دارد به این شکل که معمولاً وظایف و اختیارات هر فرد در درون یک گروه مشخص شده و با عملکرد مثبت آن، یک فرصت برد یا پیروزی نصیب

گروه می‌گردد و با یک عملکرد ضعیف و منفی این فرصت گرفته شده و تیم محکوم به ناکامی می‌گردد، اگرچه این برد و باخت‌ها هدف غایی ورزش نیستند ولی در تقویت مسئولیت‌پذیری فرد بسیار مهم هستند. بر اساس نتایج فرضیه پنجم تحقیق پیشنهاد می‌شود تا در زمان انجام فعالیت‌های ورزشی به صورت گروهی در اماکن عمومی شرایط مناسبی برای استفاده از افراد به منظور نمایش حرکات ورزشی برای همراه نمودن سایر افراد با خود برای ارتقای روحیه مسئولیت‌پذیری صورت پذیرد.

نتیجه فرضیه ششم: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه پنجم تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین توجه به تاریخ و مذهب با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون یائو و رودز (۲۰۱۵)، هژیوری و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که توجه به پیشینه تاریخی ورزشکاران حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای می‌تواند ورزشکاران را در انتخاب سمت و سوی فعالیت‌های ورزشی مصمم‌تر سازد. وقتی افراد از سبک زندگی افراد ورزشکار اطلاع پیدا می‌کنند سعی می‌کنند تا خود را با آنها و ارزش‌هایی که آنها در مسیر موفقیت مد نظر قرار داده بودند همسو نمایند و این موضوع به نوبه خود بر مشارکت و حضور در جمع ورزشی افراد تأثیر دارد. بر اساس نتایج فرضیه ششم تحقیق پیشنهاد می‌شود تا با برگزاری نمایشگاه‌های عکس امکان آشنایی افراد با ورزشکاران ملی و استانی و حتی شهری به منظور ترغیب آنها برای حضور و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی میسر شود.

نتیجه فرضیه هفتم: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه ششم تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین شور و اشتیاق با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون شریفیان و مصلی نژاد (۱۳۹۴)، شمسی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که لذت بردن از ورزش، پاسخ مؤثر و مثبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بر مبنای تجارب ورزشی قبلی است که منعکس کننده احساسات و عواطف عمومیت یافته‌ای مبتنی بر خوشایندی، برقراری ارتباط و تفریح و سرگرمی باشد. ورزشکاران به صورت مستمر میل به لذت بردن، تفریح کردن و سرگرم شدن را به عنوان محرک‌های مهم شرکت در فعالیت‌های ورزشی مطرح می‌نمایند. شور و اشتیاق و لذت بردن از ورزش آشکارا به عنوان پیش‌بین قوی برای مشارکت کودکان، نوجوانان و بزرگسالان بوده و عامل تعیین کننده مهمی در تصمیم‌گیری افراد برای ادامه مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و بدنی است. بر اساس نتایج فرضیه هفتم تحقیق پیشنهاد می‌شود تا در اماکن ورزشی از امکانات مهیج و متنوعی چون آهنگ‌های اسپورت و ورزشی به منظور ایجاد نشاط روحی و جسمی برای ورزشکاران استفاده شود.

نتیجه فرضیه هشتم: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه هفتم تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین کمی‌گرایی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی

همچون آقاپور و جوان (۱۳۹۵)، محمدی ترکمانی و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که اگر مشارکت افراد در فعالیت ورزشی، مستمر یا پیوسته نباشد، بعضی ورزشکاران چنین پندار می‌کنند که تهیه ابزار ورزشی نوعی به هدر رفتن خواهد بود. مشارکت در فعالیتی خاص، ممکن است نوع خاصی از توجه کمی را از سوی مشارکت‌کنندگان به دنبال داشته باشد. برای مثال، بیشتر برنامه‌های تفریحی نیاز به سرمایه‌گذاری مالی کمی دارند، درحالی‌که بعضی از رشته‌های ورزشی مثل ژیمناستیک حرفه‌ای یا اسکیت روی یخ، نیاز به سرمایه‌گذاری مالی زیادی دارند. لذا افراد وقتی در فعالیتی سرمایه‌گذاری کنند از نظر روانی وابسته‌تر می‌شوند؛ زیرا منابع زیادی را برای مشارکت خود هزینه نموده‌اند؛ بنابراین فرض بر این است که سرمایه‌گذاری‌های فردی بالاتر، سبب مشارکت بیشتر می‌شود. بر اساس نتایج فرضیه هشتم تحقیق پیشنهاد می‌شود تا کارگاه‌های آموزشی برای آشنایی افراد ورزشکار با نوع عملکرد ابزارهای ورزشی برپا شود تا ورزشکاران با نوع عملکرد این دستگاه‌ها در جهت درک درست از نحوه نوع حرکات ورزشی آشنا شوند.

نتیجه فرضیه نهم: بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه هشتم تحقیق، یافته بیانگر آن است که بین توانایی فکری و جسمی با مشارکت ورزشی زنان شهرستان مرند رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات پژوهشگرانی همچون یائو و رودز (۲۰۱۵)، هزیری و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. در تبیین نتایج این تحقیق می‌توان بیان داشت که ورزش از جمله روش‌های مهم تکامل جسمانی،

روانی و اجتماعی محسوب می‌شود زیرا شرکت در فعالیت‌های ورزشی افراد را به هم نزدیک می‌کند راه‌ها و فرصت‌های بسیاری را برای ماهر شدن در اجتماع فراهم می‌آورد و به‌طور کلی یک فرآیند آموزشی در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی برای فرد ایجاد می‌کند. ورزش در سلامت و آمادگی جسمانی، تعادل و ثبات هیجانی، جلب توجه، رقابت، رشد اعتماد به نفس، تصویر مثبت بدنی و اجتماعی و تأمین نیازهای دوستی، احساس امنیت و تقویت گروهی، تأثیر فراوانی دارد سلامت روانی از موضوعاتی است که در اثر شرکت در فعالیت‌های ورزشی می‌تواند حاصل شود چنین فعالیت‌هایی بهترین موقعیت را برای رشد معیارهای سلامت روانی فراهم می‌کند. بر اساس نتایج فرضیه نهم تحقیق پیشنهاد می‌شود تا سازمان ورزش و جوانان تمهیدات لازم را برای ورزشکاران برای آشنایی آنها با حرکات ورزشی صحیح و اصولی توسط مربیان ورزشی مد نظر قرار دهند.

بنابراین به منظور تحقیقات آتی پژوهشگران به آنها پیشنهاد می‌شود تا در تحقیقات آتی رابطه بین ارزش‌ها و سبک زندگی با تعهد ورزشی ورزشکاران مورد بررسی قرار گیرد. همچنین مقایسه ارزش‌ها و سبک زندگی در بین ورزشکاران حرفه‌ای و غیر-حرفه‌ای و از سوی دیگر نیز، ارزیابی میزان مشارکت ورزشکاران مرد و زن و مقایسه آنها نیز می‌تواند در مطالعات آتی مد نظر پژوهشگران باشد.

منابع

- Aghapour, Seyed Mehdi; Young, Sarah. (2016). Investigating the effects of sports lifestyle on athletes' nutrition: A case study of female physical education students at the University of Guilan. *Iranian Anthropological Research*, Volume 5, Number 1, 107-123. (in persian)
- Cockerham, W. C. (2005). "Health lifestyle theory and the convergence of agency and structure", *Journal of Health and Social Behavior*, 46: 51-67.
- Corcoran, K., and fischer, J. (2000), *Measures for clinical practice: a sourcebook* (vol, 1), newYork, NY: the free press.
- Dolman, J., and Lewis, N. (2010). The impact of socioeconomic position on sport participation among South Australian youth. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 13(3), 318-322.
- Ebrahimi, Ghorban Ali; Jan Alizadeh Choob Basti, Haidar; Bolaghi, Mehdi. (2017). Sociological study of the effect of cultural capital on students' religious lifestyle (Case study of Mazandaran University students). *Bi-Quarterly Journal of Sociology of Social Institutions*, Volume 4, Number 10, 138-113. (in persian)
- Ghanbari Niaki, Akram. (2016). *Women`s sport. Department of University Jihad Humanities*. (in persian)
- Gill, D.L., and T.E. Deter (1988). Development of the sport orientation questionnaire. *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 59(3), 191-202.
- Hashemi, Seyed Zia; Moradi, Ramin (2010). Investigating the role of family in sports socialization. *Iranian Journal of Sociology*. (in persian)
- Helkama, K., Uutela, A., Pohjanheimo, E., Salminen, S., Koponen, A. and Leenarantanen-vaNTSI. (2013). Moral Reasoning and Values in Medical School: A Longitudinal study in Finland/Scandinavian. *Journal of Educational Research*, Vol. 47, No. 4; pp: 399-411.

- Hosseini Karimabadi, Nazanin. (2011). Investigating the relationship between lifestyle and non-professional sports activities of educated women. *The first national conference on new scientific achievements in the development of sports and physical education*. (in persian)
- Mohammadi Turkmani, Ehsan; Bagheri, Ghodrat alah; Zarei Matin, Hassan; Moeini, Hussein; Khanifar, Hussein (2016). Lifestyle of elite Iranian athletes (presenting a data theory of the foundation). *Educational Sports Research*, No. 11, 95-71. (in persian)
- Movahed, Majid; Halima, Enayat; Nasibeh, chain. (2012). Healthy aging; Comparative analysis of health-promoting lifestyle of elderly men and women in Shiraz. *Social Science Quarterly*, Year 11. (in persian)
- Parsamehr, Mehraban. (2009). *Investigating the effective factors on women's participation in sports activities (Case study: Mazandaran province)*. Doctoral dissertation, University of Isfahan. (in persian)
- Parsamehr, Mehraban. (2012). Investigating the motivations related to continuous participation in sports activities among physical education students (Case study: Physical education students of Yazd University). *Journal of Sports Management and Motor Behavior*, Volume 7, Number 13, 106-93. (in persian)
- Paul, W; Baumert, J; John M. Henderson and Naney J. Thompson, (2004). Health risk behaviors of adolescent participants in organized sports. *Journal of Biology of Sport*. V22, Issue b, PP: 450-465.
- Rahmatabadi, Alham; Aqabakhshi, Habib. (2014). Youth lifestyle and social identity. *Social Welfare Quarterly*, Volume 5, Number 20. (in persian)
- Rostami, Hassan; Ardeshirzadeh, Marjan. (2013). A look at lifestyle theories. *Journal of Lifestyle Studies*, Volume 2, Number 3, 32-9. (in persian)
- Shamsi, Abdul Hamid; Sultan Hosseini, Mohammad; Rouhani, Meysam (2015). Explaining the role of socialization factors in the development of youth sports participation: A case study: Isfahan. *Sports Management Studies*, 28-88. (in persian)

- Sharifian, Ismail; Musalla Nejad, Mohammad. (2015). Assessing the hierarchy of values and resources influencing the beliefs of candidates entering the field of physical education. *Journal of Sports Management*, Volume 7, 655-637. (in persian)
- Warkins, J. L., & Shinew, K. J. (2006). socialization process for women with disabilities: impact of agents on the introduction to an elite sport. *Journal of Leisure Research*, 38(3): 421-444.
- Yao, C., Rhodes, R., (2015). Parental correlates in child and adolescent physical activity: a meta-analysis, *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 12(10): 1-38.